[خطبه‌ی اول 2](#_Toc468536835)

[مثل‌های قرآنی در مورد انفاق 2](#_Toc468536836)

[نکاتی در رابطه با مقایسه‌ی دو مثال 3](#_Toc468536837)

[آداب انفاق در قرآن و روایات 4](#_Toc468536838)

[1. رضای الهی 4](#_Toc468536839)

[2. عدم منت‌گذاری 4](#_Toc468536840)

[خطبه‌ی دوم 7](#_Toc468536841)

[سالروز تأسیس کمیته‌ی امداد و هفته‌ی نیکوکاری 7](#_Toc468536842)

[حقوق مستمندان بر حاکمیت و عموم مردم در دیدگاه اسلام 7](#_Toc468536843)

[تعطیلات عید نوروز و برنامه‌ریزی صحیح برای فرزندان 8](#_Toc468536844)

[نکاتی در رابطه با انتخابات مجلس شورای اسلامی 9](#_Toc468536845)

[1. تبلیغ و ترویج برای شرکت در انتخابات 9](#_Toc468536846)

[2. حفظ وحدت و انسجام کشور 9](#_Toc468536847)

[3. رعایت اخلاق اسلامی در انتخابات 10](#_Toc468536848)

[روز درخت‌کاری و اهمیت آن در کشور 10](#_Toc468536849)

[**دعا** 11](#_Toc468536850)

خطبه‌ی اول

**أَعُوذُ بِاللَّـهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ بِسْمِ اللَّـهِ الرَّحْمَـنِ الرَّحِيمِ**. **نحمده علی ما کان و نستعینه من امرنا علی ما یکون و نؤمن به و نتوکل علیه و نستغفره و نستهدیه و نعوذ به من شرور انفسنا و سیئات اعمالنا و نصلی و نسلم علی سیدنا و نبینا ابی القاسم محمد و علی آله الاطیبین الاطهرین، سیما بقیة الله فی الارضین.**

**أَعُوذُ بِاللَّـهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ بِسْمِ اللَّـهِ الرَّحْمَـنِ الرَّحِيمِ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّـهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُم مُّسْلِمُونَ»[[1]](#footnote-1)** **عبادَالله اُوصیَکُم وَ نَفسیِ بِتَقوَی الله وَ مُلازِمَة امرِه وَ مُجانِبَة نَهیِه وَ تَجَهَزوا عِبادَالله فَقَد نُودِیَ فیکُم بِالرَحیل[[2]](#footnote-2) «وَ تَزَوَدوا فَإِنَّ خَیرَ الزاد التقوی»[[3]](#footnote-3)**

همه شما نمازگزاران گرامی، برادران و خواهران ارجمند و خودم را به پارسایی، پرهیزکاری و فرمان‌بری از خداوند در همه‌ی احوال و شئون زندگی، سفارش و دعوت می‌کنم و از خداوند می‌خواهیم که درهای حکمت و بندگی و پارسایی را به روی همه ما بگشاید. امیدواریم خداوند همه‌ی ما را از بندگان وارسته و شایسته‌ی خود قرار بدهد.

## مثل‌های قرآنی در مورد انفاق

در آیاتی که در سوره‌ی بقره درباره‌ی انفاق آمده بود، چندین آیه را در دو سه جلسه، معنا کردیم و خلاصه‌ی مضمون این آیات در بحث انفاق در راه خدا این بود که خداوند برای انفاق در راه خدا، دو مثال بیان کردند. یکی این‌که انفاق در راه خدا و بذل و بخشش در راه خداوند مانند یک دانه‌ای است که از او هفت‌صد دانه تولید می‌شود. انفاق در راه خدا و گذشتن از مال در راه خدا، مثل دانه‌ای است که به هفت‌صد دانه تبدیل می‌شود. مثال دوم هم برای انفاق در راه خدا، باز از کشاورزی الهام گرفته که خداوند به باغی که کسی در یک زمین مستعد و آباد ایجاد کرده، مثال می‌زند. وقتی‌که زمین مورد کشت قرار گرفت، زمین ثمر می‌دهد. انفاق در راه خدا، با این دو مثال بیان شده است که هر دو هم از مسائل کشاورزی است. در نقطه‌ی مقابل، انفاق در راه غیر خدا همان‌طور که انفاق نکردن در راه خدا خیلی مذمت شده و از گناهان شمرده است و منع حقوق مردم در مال، چه واجبات و چه مستحبات، گناه دارد؛ این‌که انسان کاری کند اما خدایی نباشد هم مورد نکوهش قرارگرفته است و در آیات شریفه، برای این نوع انفاق در غیر راه خدا هم مثال‌هایی زده شد که یکی از آن‌ها کشاورزی و زراعت بر زمین سخت و صخره است. کشاورزی بر روی زمین سفت، با یک باران از بین می‌رود. انفاق در راه غیر خدا هم همین‌طور است. ممکن است کسی خیال کند که انفاقی کرده ولی این مانند همان کشاورزی بر صخره‌ای است که با یک باران، همه‌ی خاک و برگ را می‌شورد و با خود می‌برد. مثال دیگر آن این بود که کسی باغی داشته باشد و در آخر پیری و با داشتن فرزندان زیاد و ضعیف، ناگهان این باغ آباد و خرم او با یک باد و طوفان آتشین از بین برود. این هم دو مثالی بود که برای انفاق غیر راه خدا ذکر شده است.

### نکاتی در رابطه با مقایسه‌ی دو مثال

این دو مثال هم جالب است که وقتی‌که با هم مقایسه شود، نکات جالبی دارد که من به یک جهت از آن اشاره می‌کنم. در مثال اول، انفاق در راه غیر خدا و اصولاً کاری که برای غیر خدا انجام بگیرد، به خاکی که بر روی سنگ ریخته شود و در آن بذر کاشته شود که با یک باران از بین می‌رود، مثال زده می‌شود. مثال دوم این بود که باغی به عمل آورده و کشاورزی موفقی داشته اما عاقبت آن، طوفان و آتشی است که آن را از بین برد. این شاید اشاره به این جهت داشته باشد که اعمال به دو صورت از بین می‌رود. همه‌ی اعمال و عبادات ما، مانند نماز، روزه، خمس، و ازجمله صدقه دادن‌، انفاق چه واجب و چه مستحب، به دو صورت می‌تواند خراب شود. یکی این‌که انسان از همان ابتدا و آغاز برای غیر خدا قدم بردارد. گاهی می‌شود و وقتی خود انسان به وجدان خود مراجعه کند، می‌بیند که در این کار از همان اول به دنبال غیر خدا بود. آن مثال اول در قرآن کریم ظاهراً با این مطلب مطابقت دارد که این کاری که از اول برای غیر خدا انجام می‌گیرد، مثل کشاورزی در جای بی‌استعداد است. این مثل این است که کسی روی سنگی خاک بریزد و در آن بذر بکارد. زحمتی که کشیده و سنگی که جمع کرده و بذری هم که کاشته نیز از دست او می‌رود. این کشاورزی نیست که نه‌تنها به او بذر ندهد بلکه همه‌ی این زحمت‌ها هم از بین برود. این مثل کاری است که از اول، پایه‌ی آن بر غیر خدایی ریخته شده است.

نوع دوم خطر این است که ابتدا برای خدا قدم برمی‌دارد و حرکت او برای خداست؛ اما در ادامه آفت‌های روحی و روانی، انسان را می‌گیرد؛ اغراض غیر الهی در قلب انسان نفوذ می‌کند و راه را گم می‌کند و انگیزه‌ی او غیر خدایی می‌شود. نتیجه‌ی آن‌هم این است که در مثل کارهای انفاق و کمک به دیگران، منت وجود دارد یا او را آزار می‌دهد. احتمالاً از اول برای خدا حرکت کرده باشد اما در ادامه‌ی کار، غیر خدا به کار خود نفوذ کرده است. مثال دومی که در آیات سوره‌ی بقره آمده، شاید به قسم دوم اشاره داشته باشد. مثال دوم این است که زمین، زمین خوبی است؛ باران به‌موقع هم آمده است؛ بذر آن‌هم محصول داد و باغ او به ثمر نشست؛ تا اینجا اساس کار درست بوده است اما ناگهان طوفان آتشینی می‌آید که این باغ خوب و آباد را از بین می‌برد. این در جایی است که انسان کار خود را بعد از این‌که اصل کار درست است، در ادامه کار را خراب می‌کند. این مثال برای این است. پس این دو مثالی که در قرآن کریم و در سوره‌ی بقره آمده، برای کار غیر خدایی و انفاق در راه غیر خدا، دو مثال بیان کرده که یکی از آن مربوط به کاری است که از اصل خراب است. این مثل همان کشاورزی روی سنگ و صخره است؛ یعنی کشاورزی در آن ثمری ندارد. مثال دوم برای صورت دوم است؛ یعنی از اول کار را برای خدا انجام می‌دهد؛ ولی یک باد یا طوفانی آن را از بین می‌برد. این دو مثالی است که در قرآن برای کار غیر خدایی زده شده است و همین‌جا ما باید از نظر اخلاقی و روحی این درس را از قرآن بگیریم. کاری که انجام می‌دهیم، اول بین خود و خدای خود را درست کنیم. پایه را بر اساس خدا بریزیم. بر اساس وظیفه بریزیم و اگر انفاق هم می‌کنیم آن‌هم برای خدا باشد و ادامه‌ی آن را هم برای خدا حفظ کنیم. این درس را باید گرفت؛ و الا اگر هر یک از این پایه‌ها لنگ بزند، این مثال‌هایی است که قرآن می‌زند. اگر از اول کار غیر خدایی باشد، این کشاورزی بی‌فایده است و اگر در ادامه غیر خدایی شود، کشاورزی است که اول خوب بود؛ اما در ادامه طوفان آتشین آن را از بین برد. در قیامت این‌ها مجسم می‌َشود و معلوم می‌َشود که اگر کارها غیر خدایی باشد همه‌ی این‌ها از بین می‌رود. گاهی شق دوم بدتر است. این‌که انسان از اول کار را برای خدا انجام دهد ولی در آخر، این سرمایه‌ها از دست برود. این دو مثالی است که برای انفاق در راه غیر خدا ذکر شده است.

## آداب انفاق در قرآن و روایات

مطلب بعدی این است که در این آیات همان‌طور که اشاره شد، شروط و آدابی برای انفاق و کار در راه خدا ذکر شده است.

### 1. رضای الهی

یکی این‌که از همان ابتدا، برای خدا باشد.« **وَ مَثَلُ الَّذينَ يُنْفِقُونَ أَمْوالَهُمُ ابْتِغاءَ مَرْضاتِ اللَّه**»[[4]](#footnote-4)باشد. قدمی که برمی‌دارد، بذل و بخششی که می‌کند، این‌ برای رضایت خدا باشد و در پیش چشم این را مجسم کند که غیر خدا یعنی فریب دادن خود. از همان اول «**وَ مَثَلُ الَّذينَ يُنْفِقُونَ أَمْوالَهُمُ ابْتِغاءَ مَرْضاتِ اللَّه**‏» مد نظرش باشد. در جستجوی رضایت خدا باشد.

### 2. عدم منت‌گذاری

بعد هم این است که کار نیک و انفاق خود را به منت و آزار همراه نکند. این دو سه شرطی است که از این آیات استفاده می‌شود. وقتی که به روایات هم مراجعه می‌کنیم، همین شرایط به‌صورت زیبا بیان شده است که من به دو سه روایت در مورد منت گذاشتن به دیگری می‌خوانم. منت گذاشت به دیگری، در مورد کاری که به دیگری انجام می‌دهد یا انفاقی که به کسی می‌کند خیلی باید انسان مواظب باشد که شرط اول آن‌که برای خدا انجام دادن و شرط دوم که منت نگذاشتن را رعایت کند. این کار ثواب و اجر کار خیر را از بین می‌برد. در روایاتی از امیرالمؤمنین(ع) آمده است که « **إِيَّاكَ وَ الْمَنَّ عَلَى رَعِيَّتِكَ بِإِحْسَانِك**‏»[[5]](#footnote-5) این انسان، بر حذر باش به زیردستان خود، در کارخانه، در مزرعه، در خانه یا به‌حسب ظاهر تو دست بالاتری داری و آن‌ها نیازمند انفاق تو هستند؛ حضرت می‌فرماید: از منت گذاشت بر کار خیر، برحذر باش. احسان، فقط مربوط به انفاق نیست؛ هر کار خیری را در برمی‌گیرد؛ ولی در آیات قرآن بحث ما در مورد انفاق است.

در حدیث دیگری که در بحارالانوار از امام حسن(ع) نقل شده و حدیث جامع و کاملی است، در آداب بذل و بخشش در راه خدا، انفاق در راه خدا و کار کردن برای خداست. «**الْمَعْرُوفُ مَا لَمْ يَتَقَدَّمْهُ مَطْلٌ وَ لَا يَتْبَعُهُ مَنٌّ وَ الْإِعْطَاءُ قَبْلَ السُّؤَالِ مِنْ أَكْبَرِ السُّؤْدُد**»[[6]](#footnote-6) کار نیک و خوب، کاری است که در آن معطل کردن نباشد. کاری که بناست انجام شود، بی‌جهت طرف را معطل نکند. در ادای دین باشد؛ در دادن صدقه است؛ در کمکی که می‌خواهد انجام دهد؛ شرایط آماده است ولی به خاطر هوای نفس، کار را به تأخیر بی‌اندازد، کار اشتباهی است. کار نیک کاری است که هنگام انجام آن، معطلی در آن نباشد. «**وَ لَا يَتْبَعُهُ مَنٌّ** » ابتدا معطل نکند و بعدازآن هم منتی نباشد. جمله‌ی بسیار زیبایی که در روایات دیگر هم هست و در این روایت هم امام حسن(ع) آورده است این است که «**وَ الْإِعْطَاءُ قَبْلَ السُّؤَالِ**»کسی که به انفاق، قرض، صدقه یا کاری غیرمالی به تو نیاز دارد، می‌فرماید: قبل از این‌که نیاز خود را به تو ابراز کند و تو حاجت او را روا کردی، این بالاترین آقایی و بزرگواری است. انسان بزرگوار کسی است که کسی که مشکلی دارد، قبل از این‌که نیاز خودش را مطرح کند، او جواب او را بدهد. خود صاحب مال و مکنت وقتی فهمید که این شخص مشکل دارد، خودش پیشاپیش مشکل او را حل کند.

**نعمت‌ها فرصت‌های ویژه برای انسان‌ها**

در ادامه‌ی آیات سوره‌ی بقره هم در مورد انفاق سری هم می‌گوییم که اگر کسی بتواند کار شخص را بدون این‌که او هم بفهمد حل کند که اجر بسیار بیشتری دارد که در ادامه‌ی آیات می‌آید. در حدیث دیگری امام صادق(ع) در وصایای خود به عبدالله بن جندب که یکی از یاران بسیار موثق و مورد اعتماد ایشان هست، می‌فرماید: «**وَ إِنْ كَانَتْ لَكَ يَدٌ عِنْدَ إِنْسَانٍ فَلَا تُفْسِدْهَا بِكَثْرَةِ الْمَنِّ وَ الذِّكْرِ لَهَا**»[[7]](#footnote-7) اگر خداوند به تو لطفی کرد و نعمتی به تو داد و از طریق تو به دیگری خیری رسید. این لطف خداست. اگر خداوند چیزی به شما داد که انفاق کردی، قبل از هر چیز باید انسان احساس کند که توفیق الهی شامل حال او شده است. این لطف و عنایت الهی است که این نعمت را به دست من سپرده تا از طریق من دیگران مستفیض شوند؛ والا خداوند می‌توانست بدون واسطه‌گری تو به او عنایت کند. این لطف و عنایت خداوندی است که تو واسطه‌ی در کار شده‌ای. باز ما و شما اگر در این عالم کاری از دستمان بر بیاید، ما راه‌های وصول خیر به مردم هستیم. ما از خود چه داریم و چه کاره هستیم. چه چیزی به دست ماست؟ کجای امور به دست ماست؟ در چه چیزی مستقل هستیم؟ ما استقلالی نداریم در آنچه از ناحیه‌ی خداوند می‌آید. هر چه هست از جانب حضرت حق است. ما خراب می‌کنیم ولی همان‌جا هم که خراب می‌کنیم، خوبی آن از ناحیه‌ی خداوند است. هر چه خوبی در عالم باشد وصل به کمال و خیر مطلق است و منبع جمال و جلال خداوند است. از ما چیزی نیست. ما کاره‌ای نیستیم. ما خیلی لطف و عنایت شامل حال ما شده و به ما توفیق داده که اهل نماز و خیر باشیم. خیر و عنایت خداست که امکاناتی را به کسی بدهد که مجرای فیض الهی شود. این دید توحیدی و الهی است که ما و شما در طول زندگی خود، باید این دید را داشته باشیم. رحمت و رضوان و درود خداوند بر حضرت امام باد. چهره و سیمای ایشان، حرکات، رفتار و همه‌ی آن‌ها نشانگر این بود که ما هیچ هستیم. این جمله‌ی امام(ره) خیلی جمله‌ی پر معنایی است. امام با همه‌ی وجود احساس می‌کرد، ادراک حضوری و شهودی پیدا کرده بود که اگر کار خیری هم آمد ما واسطه هستیم و کاره‌ای نیستیم. کجای این نظام عظیم خلقت و عالم و جهان بزرگ الهی به دست ماست؟ چیزی در دست ما نیست. آیا کهکشان‌های بزرگ، آیا این نظام پیچیده‌ی خلق، آیا این همه نعمات الهی که اطراف ما را گرفته، دست ما و شماست؟ کدام عالم و دانشمند فهمیده‌ای تصور می‌کند که بشر بتواند در این عالم تصرفی کند؟ جایی هم که تصرف دارد به عنایت خداست. امام صادق(ع) با این دید الهی می‌فرماید: اگر روزی توفیق الهی شامل حال تو شد و کاری می‌توانستی انجام دهدی می‌فرماید: کار خیر را با منت گذاشتن و یا آن کار، از بین نبر. این‌طور نباشد که با منت و یاد آن و با اذیت دیگری، این کار را از بین ببری. حالا که لطف خدا شامل حال تو شد و کار خیری در حق همسایه، همشهری، خویش و قوم، وطن خود انجام دادی، این را با منت و ذکر زیاد، از بین نبر. به دنبال کار خیر دیگری باش. به دنبال یک حسنه، حسنه‌ی بالاتر دیگری بیاور و آن گذشته را به خدا بسپار. دل به دریا بزن و کار را برای خدا انجام بده و انفاق را برای خدا انجام بده و مابقی را هم به خداوند واگذار کن.

در حدیث دیگری امام صادق(ع) می‌فرماید: «**لَا يَتِمُّ الْمَعْرُوفُ إِلَّا بِثَلَاث خِلَالٍ تَعْجِيلُه‏**»‏[[8]](#footnote-8) کار خوب، با سه رکن و سه شرط تمام می‌شود. کامل بودن کار خیر و قدم خیری که برای دیگران و جامعه برمی‌دارید، به سه رکن وابسته است. یکی «**تَعْجِيلُه»** اول این‌که در کار خیر باید عجله کرد. دوم «**تَقْلِيلُ كَثِيرِهِ**»هرچه کار خیر زیادی انجام دادی، در پیش خود آن را کم بشمار. برای زاد و توشه در روز قیامت ما هرچه اعمال نیک داشته باشیم، باز در برابر عظمت و مباحثی که بعد از مرگ وجود دارد، باز کم است. هم باید در کار خیر سرعت گرفت و هم کار بزرگ و زیاد خود را کم بدان. آن را زیاد ندان. و ترک الامتنان. در کار خیر منت نگذار. این سه شرط را در کار خیر، رعایت کن. در این روایات شرایط کار نیک و ازجمله انفاق بود که از آیات هم استفاده می‌شد.

یک جمله‌ی دیگر هم از آیه‌ی شریفه می‌خوانیم. «**يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِنْ طَيِّباتِ ما كَسَبْتُمْ وَ مِمَّا أَخْرَجْنا لَكُمْ مِنَ الْأَرْض**»‏[[9]](#footnote-9) از چیزهای خوبی که به دست آورده‌اید و ازآنچه ما از زمین برای شما رویاندیم، انفاق کنید. از خوبی‌ها انفاق کنید. امیدواریم که خداوند لطف و عنایت خود را شامل حال ما قرار دهد.

«**بِسْمِ اللَّـهِ الرَّحْمَـنِ الرَّحِيمِ أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِأَصْحَابِ الْفِيلِ\*أَلَمْ يَجْعَلْ كَيْدَهُمْ فِي تَضْلِيلٍ\*وَأَرْسَلَ عَلَيْهِمْ طَيْرًا أَبَابِيلَ\*تَرْمِيهِم بِحِجَارَةٍ مِّن سِجِّيلٍ\*فَجَعَلَهُمْ كَعَصْفٍ مَّأْكُولٍ**»**[[10]](#footnote-10)**

صدق الله العلی العظیم.

خطبه‌ی دوم

أَعُوذُ بِاللَّـهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ بِسْمِ اللَّـهِ الرَّحْمَـنِ الرَّحِيمِالْحَمْدُ لِلَّـهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ و صلی الله علی سیدنا و نبینا ابی القاسم محمد و علی علی امیر المؤمنین و علی الصدیقة الطاهرة فاطمة الزهراء و علی الحسن و الحسین سیدی شباب اهل الجنة و علی ائمة المسلمین علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و الحسن بن علی و خلف القائم المنتظر. ساسة العباد و ارکان البلاد و ابواب الایمان و امناء الرحمن و سلالة النبیین و صفوة المرسلین و عترة خیرة رب العالمین صلواتک علیهم اجمعین.

**أَعُوذُ بِاللَّـهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ بِسْمِ اللَّـهِ الرَّحْمَـنِ الرَّحِيمِ** «**يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّـهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُم مُّسْلِمُونَ**»**[[11]](#footnote-11)عبادَالله اُوصیَکُم وَ نَفسیِ بِتَقوَی الله** همه‌ی شما خواهران و برادران و خودم را به پارسایی و پرهیزکاری، به یاد مرگ در همه‌ی احوال و یاد قبر و قیامت در همه‌ی احوال زندگی و به یاد خداوند و شکر و سپاس خداوند، سفارش و دعوت می‌کنم. خداوندا به همه‌ی ما توفیق شکر و ذکر خودت در همه‌ی احوال، عنایت و کرامت بفرما.

## سالروز تأسیس کمیته‌ی امداد و هفته‌ی نیکوکاری

با توجه به توضیحی که از آیات سوره‌ی بقره انجام گرفت و با بحث انفاق و انجام کار برای خدا ارتباط داشت، اولین نکته‌ای که در این خطبه به عرض شما می‌رسانم این است که 14 اسفند، سالگرد تأسیس کمیته‌ی امداد حضرت امام(ره) است و هفته‌ی احسان و نیکوکاری است.

### حقوق مستمندان بر حاکمیت و عموم مردم در دیدگاه اسلام

ما هم تأسیس این نهاد را گرامی می‌داریم و یادآوری می‌کنیم و همه باید متذکر این نکته باشیم که مهم‌ترین حق جامعه بر عموم افراد جامعه، حق مستمندان بر عموم افراد جامعه این است که از نظر روحی، روانی، اقتصادی و مادی کسانی که تمکنی دارد، باید به فکر مستمندان باشند و از دیدگاه قرآن کریم، جای منت گذاشتن نیست. غیرازاین که اخلاق اسلامی جای منت ندارد و جای منت هم ندارد و عرض کردیم که این توفیق خدا خداست که مجرای خیر و فیض به دیگران باشیم. علاوه بر همه‌ی این‌ها از نگاه قرآن کریم «**وَ في‏ أَمْوالِهِمْ حَقٌّ لِلسَّائِلِ وَ الْمَحْرُومِ**»[[12]](#footnote-12) حقوقی در اموال انسان برای مستمندان هست. این را خالق عالم در امکاناتی که در اختیار ما قرار داده، حقی برای مستمندان است. در آن آیه هست که« **آمِنُوا بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ أَنْفِقُوا مِمَّا جَعَلَكُمْ مُسْتَخْلَفينَ فيه**‏»[[13]](#footnote-13) از چیزی که خداوند شما را در آن خلیفه قرار داده است، از آن انفاق کنید. یعنی شما را در این اموال و امکانات، خلیفه قرار داده است و در این مورد باید امتحان پس بدهید. این دستور اولیاء الهی و دستور نبی مکرم اسلام حضرت محمدبن‌عبدالله(ص) است که باید در اموال خود، جایی را برای رسیدگی به دیگران و محرومان، قرار بدهیم. البته این یک وظیفه‌ی عمومی و همگانی در جامعه است. هم دولت و حکومت این مسئولیت را دارد و هم آحاد جامعه و همه‌ی افراد جامعه به فراخور امکاناتی که دارند، مسئولیت رسیدگی به دیگران و مستمندان را به دوش دارند و چیز کمی هم نیست و به‌سادگی هم قابل‌گذشت نیست. بحث‌های اساسی قضیه که جامعه به‌طرف امکانات متناسب برسد و به توسعه و رشد برسد و این مقدمه‌ی عدالت اجتماعی است و بحث‌های فنی که ما فعلاً به آن کاری نداریم. گاهی همین بحث‌ها هم موجب اختلافات سیاسی و اجتماعی در کشور می‌شود.

آنچه ما به‌عنوان یک وظیفه باید به آن عنایت داشته باشیم این است که اسلام هم برای حکومت وظائفی در این رفع محرومیت معین کرده و هم برای افراد جامعه و کمیته‌ی امداد و سازمان بهزیستی و هلال‌احمر و امثال این‌ها نهادهایی هستند که از آن کانال به دیگران رسیدگی کنند. البته من این توصیه را ندارم که حتماً همه‌ی کمک‌ها از این کانال صورت بگیرد؛ گاهی می‌توان به‌صورت سری و حفظ آبروی افراد به نزدیکان خود در ایام مختلف، رسیدگی کنید و ثواب مضاعفی دارد؛ اما درهرحال نهادهای رسمی هم مراکزی هستند که هم دولت باید برای آن‌ها بودجه‌ی خوبی در نظر بگیرد و هم کمک شوند که به‌صورت مستمر به کسانی که نمی‌توانند، رسیدگی کنند. این یک نکته است که ما غیر از جنبه‌های رسمی، خود ما در مواردی که زمینه‌ای که می‌بینیم اهل کمک و مساعدت به دیگران باشیم. از طرق رسمی هم باید در حد توان، کمک کنیم. در کنار این‌ها هم این توصیه را باید داشته باشیم که مردم را به کار و تلاش ترغیب کنیم؛ یعنی کمک‌ها به سمت افرادی برود که وامانده و توانایی کار ندارند. دیگران را باید به حرکت وا‌داشت که به کار بروند. سیاست نظام و دولت هم به این است که تولید کار و شغل شود و افراد از طریق خود اداره شوند. ولی به‌هرحال هیچ جامعه‌ای نیست که کار برای همه باشد و مشکلی در حد زندگی عادی و اولیه نباشد و لذا برای همیشه این دستور خداوند و رسیدگی به محرومان، به‌صورت اجتماعی، فردی، آشکار و پنهان مورد ترغیب اسلام است و در این هفته‌ی نیکوکاری هم باید موردتوجه بیشتری باشد. در آستانه‌ی نوروز و عید هم که تعطیلاتی هست و معمولاً رسوماتی هست که به‌هرحال باید در این ایام توجه داشت که به فکر همسایه و دیگران باشیم. این را فراموش نکنیم و این دستورات الهی از شما نمازگزاران و ملتزمان به احکام و اسلام بیشتر انتظار می‌رود و دیگران را هم باید به این مسئله تشویق کنیم.

## تعطیلات عید نوروز و برنامه‌ریزی صحیح برای فرزندان

مسئله‌ی دیگر تعطیلات عید نوروز هست. واقعاً خانواده‌ها و بزرگ‌ترها در خانواده‌ها برای کنترل درست و صحیح فرزندان، حفظ کودکان از فساد و کارهای خلاف باید برنامه داشته باشند و سعی کنند که در ایام تعطیل، اوقات بچه‌ها بی‌جهت از بین نرود یا آن‌ها را به سمت تفریحات سالم ترغیب کنند یا اگر امکان دارد به سمت کار تشویق شوند. البته در کار، مسافرت و رفت‌وآمدها باید طوری برنامه‌ریزی باشد که منجر به فساد نشود و اگر امکان دارد به سمت مطالعه و برنامه‌های علمی ببرند. این هم نکته‌ی دیگری است که تذکر آن لازم بود.

## نکاتی در رابطه با انتخابات مجلس شورای اسلامی

نکته‌ی دیگر هم در این خطبه، تأکید مجدد بر شرکت انتخابات مجلس و رای دادن است. بنده چندین بار به این نکته اشاره داشتم و باز هم در این زمینه به چند نکته اشاره می‌کنم که ان‌شاءالله موردتوجه همه باشد و جو عمومی هم به سمت آن حرکت کند.

### 1. تبلیغ و ترویج برای شرکت در انتخابات

اولین نکته که به‌عنوان وظیفه، بر عهده‌ی ماست و رهبر انقلاب هم بر آن تأکید دارند و همه را امور به تبلیغ و ترویج آن کردند، شرکت در انتخابات و رای دادن است. این یک وظیفه‌ی شرعی، الهی، انقلابی و وظیفه‌ی ما در برابر کشور است. اگر همین روزها کسی رسانه‌های خارجی را ببیند یا خبری از آن داشته باشد و تبلیغاتی که پیرامون ما در دنیا وجود دارد، می‌بیند که کشورها چه تبلیغاتی می‌کنند برای این‌که ملت را از حضور پای صندوق‌ها و شرکت در انتخابات، به‌عنوان یک وظیفه‌ی الهی و شرعی و به‌عنوان نمود قدرت نظام اسلامی و آراء آزاد مردم، جلوگیری و مخدوش کنند. همان دشمنانی که مزدوران خود را بدون هیچ انتخاباتی، آن‌طور حمایت می‌کنند، یک کشور آزاد، مستقل که به آراء مردم در قانون اساسی، رهبری، ارکان سیاسی، قوای مختلف این کشور همه آن‌ها بر آراء مردمی است و بر نظر مردم مبتنی است که همه‌ی این‌ها هم به ایثار همه‌ی ایثارگران و مجاهدان در راه خدا و امام برمی‌گردد؛ این را مخدوش نشان دهند و تبلیغات می‌کنند که به هر شکلی شده عده‌ای را دلسرد و مأیوس کنند یا بی‌تفاوت کنند یا بی‌اهمیت کنند. اولین مطلب به‌عنوان آخرین بار عرض می‌کنم که شرکت در انتخابات، وظیفه‌ی دینی و ملی است برای همه‌ی کسانی که شرایط شرکت در انتخابات رادارند.

### 2. حفظ وحدت و انسجام کشور

نکته‌ی دوم هم این است که ما باید وحدت و انسجام اجتماعی کشور را در نظر بگیریم. شرکت در انتخابات و رأی‌گیری‌های مختلف، برای اقتدار کشور است و باید به این دید به آن نگاه کرد و مبادا که انتخابات که نشانه‌ی اقتدار نظام هست و درمجموع به طول کلی که به آن نگاه کنیم این افتخار نظام ماست. ممکن است که خطایی هم در آن باشد اما به دید کلی، افتخار نظام ماست و این نباید موجب مفسده‌ی دیگری شود که اختلاف و تفرقه و کینه‌ها شود. این هم نکته‌ی دیگری است که وحدت و انسجام اجتماعی در کشور و در راستای اطاعت از مقام معظم رهبری و حمایت از این نظام مقدس و مظلوم اسلامی، ما موظف هستیم که این وحدت را حفظ کنیم و طوری نباشد که انتخابات که برای حضور مردم درصحنه است، برای اقتدار کشور هست، ابزاری برای ضعف کشور و کینه‌ها و دشمنی‌ها و امثال این‌ها شود. این نباید بین ما باشد. فرهنگ جامعه‌ای که رشد و آگاهی دارد؛ فرهنگ جامعه‌ای که برای اسلام آن‌همه رشادت‌ها و فداکاری‌ها را داشته، این فرهنگ باید به سمت رشد سیاسی و عاقلانه در انتخابات برود. این وظیفه‌ی همه‌ی ماست که برای تسریع فرهنگ انتخابات و دوری از تفرقه‌ها و عداوت‌ها قدم برداریم. البته طبق وظائف، هرکسی باید وظیفه‌ی خود را باید از وظائف ملی و شرعی خود تشخیص بدهد؛ اما مسئله‌ی وحدت، از اهم مسائل است و از چیزهایی است که از صدر اسلام مسئله‌ی وحدت، منشاء این شد که گاهی از حقوق مهم خود مانند امیرالمؤمنین(ع) بگذرد تا آن وحدت حفظ شود. امام در مقاطع مختلف، تصمیماتی برای حفظ وحدت می‌گرفتند ولو این‌که در آن مصالحی رعایت می‌شد. به‌هرحال مسئله‌ی وحدت در کشور، در مسیر پیروی از رهبری و حمایت از نظام، با این اهداف و آرمان‌ها باید به‌عنوان یک نکته‌ی مهم تلقی شود و این انتظار از همه‌ی افراد جامعه خصوصاً مسئولین بیشتر هست و البته من عرضی هم دارم که ان‌شاءالله بعد از انتخابات عرض می‌کنم. نکته‌ای هست که وظیفه‌ی خود می‌دانم که بعد از انتخابات عرض کنم.

### 3. رعایت اخلاق اسلامی در انتخابات

نکته‌ی سوم هم مسئله‌ی اخلاق اسلامی و معاشرت درست در انتخابات است که علاوه‌ی بر حفظ وحدت که اهم مسائل هست، ما در معاشرت‌ها، برخوردها، رفت‌وآمدها و مسائل گوناگون دیگر باید به این توجه داشته باشید. با وحدت و انسجام، پیشرفت کشور را به‌عنوان یک اصل مهم در نظر بگیریم و هرکسی هم وظیفه‌ی خود را بر اساس همین تشخیص می‌دهد و اخلاق اسلامی و معاشرت درست در ارتباطات باید اصلاح شود و بر پایه‌های شیطانی و عداوت‌ها و کینه‌ها مبتنی نشود. انسجام چیز مهمی است که باید رعایت شود و اخلاق اسلامی در این زمینه هم موردتوجه قرار بگیرد. این هم نکته‌ی دیگری بود که لازم بود در اینجا به آن اشاره کنم.

## روز درخت‌کاری و اهمیت آن در کشور

روز 15 اسفند هم روز درخت‌کاری است که ما واقعاً در کشور ما و بشریت در زندگی سالم خود نیازمند فضای سبز و شرایط مناسب محیطی دارد و در زندگی صنعتی امروز، مشکلات زیادی از ناحیه‌ی کمبود فضای سبز و اختلالاتی که در محیط‌زیست هست، پدید آمده که باید موردتوجه قرار بگیرد؛ غیرازاین که ازنظر شرعی هم مورد تأکید اسلام است. البته امکانت در منطقه‌ی کویری یزد نیست؛ اما با رعایت صرفه‌جویی در مصرف آب و به کار بردن منابع طبیعی و خدادادی درعین‌حال بااینکه به سمت صنعت استان حرکت می‌کند، درعین‌حال مسائل کشاورزی در حد مطلوب و فضای سبز باید موردتوجه باشد. البته خود مسئولین هم در این رابطه با جدیت بیشتری کار کنند و کارهایی هم که شده خداوند ان‌شاءالله به آن‌ها اجر دهد. آنچه مهم است این است که مسئولین و همه‌ی ما باید خود را خادم مردم و همه خود را در پیشگاه خداوند بدانیم. همه‌ی این‌ها خواهد گذشت. انتخابات خواهد گذشت. پست و مقام و موقعیت‌ها خواهد گذشت و روزی خواهد رسید که نه منی هستم که اینجا خطبه‌ای بخوانم و نه کسی که گوش دهد و نه کسی که نماینده شود و نه کسی که شهردار شود. همه‌ی این‌ها می‌گذرد و این حقیقتی است که مورد غفلت ماست. در روز جمعه، همه این حقیقت را باید مجسم بدانیم و در راستای وظایف خود عمل کنیم. آن‌ها تمام خواهد شد و چیزی که برای ما باقی می‌ماند، پرونده‌ی اعمال و نتایج کار ماست که روزی در بارگاه الهی و در قیامت، به محضر خدا ببریم. این نکته را فراموش نکنیم و بر اساس آن به وظائف، عمل کنیم.

**دعا**

نسئلک اللهم و ندعوک، باسمک العظیم الاعظم، الاعز الاجل الاکرم یا الله

خدایا دل‌های ما را به انوار ایمان روشن بفرما؛ اللهم اغفر للمومنین و المومنات والمسلمین والمسلمات؛ اللهم انصر الاسلام و اهله و اخذل الکفر و اهله؛ اللهم انصر جیوش المسلمین و عساکر المسلمین؛ خدایا خدمتگزاران به اسلام و مقام معظم رهبری و مراجع عظام را مؤید و منصور بدار؛ ارواح تابناک شهیدان و امام شهیدان و اموات و درگذشتگان و مراجع و علمای فقید ما و درگذشتگان این جمع را با اولیای خودت محشور بفرما؛ باران رحمت و برکاتت بر ما فرو بفرست؛ سلام ما را به محضر امام عصر(عج) ابلاغ بفرما؛ ما را از یاران او مقرر بفرما.

1. . سوره‌ی آل‌عمران، آیه‌ی 102. [↑](#footnote-ref-1)
2. . نهج البلاغة، خطبه 204، ص 234. [↑](#footnote-ref-2)
3. 2. سوره‌ی بقره‌ُ، آیه‌ی 197. [↑](#footnote-ref-3)
4. . سوره‌ی بقره، آیه‌ی 265. [↑](#footnote-ref-4)
5. . نهج‌البلاغه (صبحی صالح)، ص 444. [↑](#footnote-ref-5)
6. . بحارالانوار، ج 75، ص 113. [↑](#footnote-ref-6)
7. . تحف العقول، ص 305. [↑](#footnote-ref-7)
8. . تحف العقول، ص 323. [↑](#footnote-ref-8)
9. . سوره‌ی بقره، آیه‌ی 267. [↑](#footnote-ref-9)
10. . سوره‌ی فیل، آیات 1تا 5. [↑](#footnote-ref-10)
11. . سوره‌ی آل‌عمران، آیه‌ی 102. [↑](#footnote-ref-11)
12. . سوره‌ی ذاریات، آیه‌ی 19. [↑](#footnote-ref-12)
13. . سوره‌ی حدید، آیه‌ی 7. [↑](#footnote-ref-13)